

گزارش ویژه

یک گشایش و همکاری امنیتی مانند برجام ایجاد می‌شد، نهادهای اقتصادی کشور نمی‌توانستند بلافاصله پیوست اقتصادی آن را دنبال کنند و یک گشایش سیاسی و امنیتی، امکان تبدیل شدن به گشایش اقتصادی را پیدا نمی‌کرد.

نمونه‌های مختلفی را می‌توان نام برد. برای مثال می‌توان به صحبت‌های دکتر ظریف، وزیر امور خارجه دولت قبل در مجلس شورای اسلامی اشاره کرد که گفت: برجام خوب یا بد، گشایشی ایجاد کرده بود، اما متأسفانه نهادهای اقتصادی از آن فرصت استفاده نکردند تا با ایجاد منافع مشترک اقتصادی و وابستگی متقابل، همکاری‌ها بیشتر شود.

در واقع، گشایش‌های بین‌المللی ممکن است به‌سرعت از بین برود، اما اگر منافع اقتصادی مشترک میان کشورها ایجاد شود، حتی با از بین رفتن گشایش سیاسی، باز هم همکاری‌های اقتصادی مانع از تعارض و گسستگی خواهد بود، اما در ایران برنامه‌ریزی‌های نهادهای اقتصادی بسیار کند است و نمی‌تواند متناسب با گشایش‌ها حرکت کند. در دولت قبل یک فرصت ژئوپلیتیکی ایجاد کردیم که چند کشور قطر را محاصره کردند و حتی بحث تغییر رژیم در قطر وجود داشت. در آن شرایط ایران یکی از کشورهایی بود که برای قطر گشایش فضای ژئوپلیتیکی ایجاد کرد، اما در این زمینه نیز با وجود برگ برنده ایران، نهادهای اقتصادی استفاده لازم را نکردند.

گشایش‌های بین‌المللی ممکن است به‌سرعت از بین برود، اما اگر منافع اقتصادی مشترک بین کشورها ایجاد شود، حتی با از بین رفتن گشایش سیاس، باز هم همکاری‌های اقتصادی مانع تعارض و گسستگی خواهد بودبرجام دو سال وجود داشت و در بسیاری از موارد نهادهای اقتصادی می‌توانستند از آن استفاده کنند، اما در عمل به فرآیند بوروکراتیک گرفتار شد، بنابراین اگر می‌خواهیم از فرصت عضویت ایران در گروه بریکس استفاده کنیم، این مشکل باید در دولت سیزدهم رفع شود.

این موضوع البته باید در روابط دوجانبه نیز مورد توجه باشد. برای نمونه اکنون روابط ایران با عربستان رو به گسترش است و باید پیوست اقتصادی همکاری‌های دو کشور نیز مشخص شود.

البته برای افزایش همکاری با اعضای بریکس باید فضا را به‌خوبی بشناسیم، از ایده‌آل‌گرایی فاصله بگیریم و با نگاهی واقع‌گرایانه به سمت توسعه روابط اقتصادی پیش برویم، همچنین یک نگاه خلاقانه و ابتکاری با توجه به ظرفیت‌های موجود بریکس داشته باشیم و بدبین هم نباشیم.

به‌عنوان پرسش پایانی، فرصت‌های اقتصادی و سیاسی حضور در بریکس برای ایران چه خواهد بود؟

در مجموع می‌توان گفت عضویت ایران در بریکس در مورد بحث‌های تراکنشی، انتقال فناوری و سهم بازار می‌تواند مؤثر باشد. به این صورت که شبکه هیبریدی تبادلات انرژی ایجادشده به حوزه اقتصاد نیز تسری یابد

با این حال مهم‌ترین فرصت غیرانرژی است، زیرا عضویت ایران در بریکس و هر سازمان بین‌المللی، امکان چانه‌زنی در هر مناسبت سیاسی را افزایش خواهد داد و فرصت‌های بیشتری را در برابر کشور قرار می‌دهد تا همکاری‌های خود را حتی بدون برجام نیز توسعه بخشد و در مذاکرات دست برتر داشته باشد.با این حال، در کوتاهمدت ایران می‌تواند از فرصت عضویت در بریکس برای افزایش سهم بازار نفت خود بدون استفاده از تراکنش‌های دلاری استفاده کند و با استفاده از این سیستم تراکنش به منابع صادراتی خود نیز دسترسی داشته باشد.

در بریکس نظام‌هایی در حال ایجاد است که می‌توانیم تعاملات خود را با ارزهای ملی و سیستمی اصلاح کنیم و این ارزهای ملی قابل تبادل با یکدیگر باشند و تجارت را برای ایران تسریع کنند؛ موضوعی که حتی از افزایش سهم بازار ایران نیز مهم‌تر خواهد بود.با این حال نکته‌ای که باید یک نهاد جایگزین، توسعه همکاری‌ها را تسهیل کند، نه اینکه تعارض را دامن بزند، بنابراین بعید است رویکرد تبدیل بریکس به سپر امنیتی که شاید روسیه به‌دنبال آن باشد اتفاق بیفتد.

در کوتاهمدت ایران می‌تواند از فرصت عضویت در بریکس برای افزایش سهم بازار نفت خود بدون استفاده از تراکنش‌های دلاری استفاده کند و با استفاده از این سیستم تراکنش به منابع صادراتی خود نیز دسترسی داشته باشدنکته مهم دیگر برای استفاده حداکثری از مزایای عضویت ایران در بریکس این است که رویه‌ها و فرآیندهای یک کشور باید با رویه‌های گروه و سازمان‌های مرتبط همکاری را داشته باشد. از همین رو گسترش فضای کسب‌وکار و تسهیل‌گری در این زمینه‌ها و شباهت سیستم‌های حقوق و مقرراتی به بهرمندی از این ظرفیت‌ها کمک می‌کند.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که اگر در این بازه زمانی سرعت عمل نداشته باشیم، از فضای ترسیم توزیع قدرت سیاسی و اقتصادی آینده بین‌المللی حذف می‌شویم. اکنون عضویت ایران در بریکس به‌عنوان یکی از نقاطی که منجر به افزایش وزن کشور در آینده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهان خواهد بود، توسط دولت سیزدهم شناسایی شده و دولت به‌درستی در این مسیر حرکت می‌کند. دیگر بخش‌ها نیز باید برای بهره‌گیری از این فرصت، برنامه‌های اجرایی تدوین کنند، البته نباید به‌دنبال اهداف راهبردی باشیم، بلکه باید اهداف اجرایی با رویکرد تعاملات چندجانبه تعریف کنیم.

محوریت عدم تعارض و جنگ با هنجارها و سازمان‌های بین‌المللی خواهد بود تا کمترین هزینه سیاسی و اقتصادی را برای آنها به‌دنبال داشته باشد، بنابراین همکاری‌های امنیتی اعضای بریکس در گام‌های نهایی محقق خواهد شد و اکنون اولویت، همکاری‌های اقتصادی است، زیرا هرچقدر توسعه این سازمان بیشتر شود هماهنگی بیشتر می‌شود و قانع کردن کشورهایی که توسعه می‌یابند برای حرکت به سمت بلوک امنیتی امکان‌پذیر خواهد بود.

با توجه به این موارد عضویت در بریکس برای ایران چه مزایا و فرصت‌هایی به‌دنبال خواهد داشت؟

دولت سیزدهم از ابتدای روی کار آمدن خود، همواره بر این نکته تأکید داشته که رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه به شرق و غرب ندارد و در حالی که مذاکرات برای احیای برجام را همچنان ادامه می‌دهد، با چین، روسیه و دیگر کشورهایی که در بلوک غرب دسته‌بندی نمی‌شوند نیز وارد گفت‌وگو شده است.

رویکرد کلی این است که با توجه به سیاست خارجی در دولت سیزدهم ایران، تنوع شرکای تجاری را در دستور کار قرار داده است. این اقدام می‌تواند به ایران برای مذاکره با طرف‌های خارجی کمک کند، زیرا آنها می‌دانند که تنها گزینه روی میز ایران نیستند.

البته در برخی مقاطع تاریخی به دلیلی زیاده‌خواهی‌های طرف غربی ممکن است شرکای اصلی و همکاری‌های بیشتر به سمت شرق به نظر برسد، اما در کلیت، ایران نمی‌خواهد رویکرد تقابلی با هیچ طرفی داشته باشد. سابقه تعاملی ایران با غرب نشان داده هر میزان که ایران بتواند به این کشورها در پای میز مذاکره گزینه‌های دیگر را مطرح کند، فرصت کسب امتیاز در فضای مذاکراتی بیشتری داشته و قدرت چانه‌زنی را بالا خواهد برد.

در مجموع ایران به‌دنبال رویکرد تقابلی با غرب و شرق نیست، بلکه می‌خواهد اهرم‌های خود را برای چانه‌زنی در هر دو طرف تقویت کند، زیرا معتقد است شرق و غرب به‌دنبال منافع خود هستند و ایران به‌عنوان کشوری که ذاتاً بین‌المللی است و نمی‌تواند بدون تعامل با کشورها به اهداف خود برسد با همه در چارچوب منافع ملی خود همکاری خواهد کرد.

افزون بر آنکه حضور ایران در بریکس می‌تواند به افزایش قدرت برای مذاکرات بینجامد، آیا در صورت ادامه تحریم‌ها نیز کمکی به شرایط اقتصادی ایران خواهد کرد؟ از آنجا که اولویت گروه بریکس افزایش و تقویت مناسبات اقتصادی است، به‌تدریج یکی از ابزارها، ایجاد نظامات مالی و سیستم‌های تراکنشی بدون تکیه بر دلار خواهد بود، البته برای دستیابی به یک سیستم مالی یکپارچه یا اسر مشترک زمان زیادی لازم است، اما گام‌هایی در این مسیر برداشته می‌شود که می‌تواند تسهیلاتی را برای تراکنش با سازوکارهایی که نیاز کمتری به سیستم‌های غربی داشته باشد ایجاد کند.

در مجموع ایران به‌دنبال رویکرد تقابلی با غرب و شرق نیست، بلکه می‌خواهد اهرم‌های خود را برای چانه‌زنی در هر دو طرف تقویت کندبا توجه به تحریم ایران از سوی آمریکا و محدودیت در تراکنش‌های مالی، عضویت در بریکس برای ایران فرصتی است تا سیستم‌های تراکنش با ارزهای ملی وارد شود. نکته مهم حضور کشورهایی مانند چین، امارات و برزیل در بین اعضای بریکس است که شرایط اصلی تجاری ایران به‌شمار می‌روند.

عضویت در بریکس در بازار انرژی چه فرصت‌هایی را در اختیار ایران قرار خواهد داد؟

اعضای بریکس یا مانند چین، هند و یا برزیل مصرف‌کننده عمده انرژی به‌شمار می‌روند، یا مانند ایران، روسیه، عربستان یا امارات، تولیدکننده انرژی هستند، همچنین کشورهایی که عضو بریکس بوده‌اند، یا به‌تازگی به عضویت این گروه درآمده‌اند همگی از گذار انرژی انقلابی آسیب می‌بینند و این موضوع برای ایران که تولیدکننده بزرگ نفت و گاز جهان به‌شمار می‌رود اهمیت ویژه دارد. مصرف‌کنندگان انرژی احساس می‌کنند اگر این گذار انرژی به رژیم تبدیل شده، الزام‌آور باشد و همه کشورها برای کاهش انتشار کربن تعهدهایی بپذیرند، نمی‌توانند به‌سرعت با این گذار هماهنگ شوند و آسیب می‌بینند، زیرا سهم سوخت‌های فسیل‌ها به‌ویژه در هند و چین که هنوز از زغال سنگ نیز استفاده می‌کنند، بالاست و این کشورها نمی‌توانند به‌سرعت به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر حرکت کنند.

از سوی دیگر عرضه‌کنندگان انرژی اگر سهم تولید و صادرات انرژی‌های فسیلی در سبد انرژی جهانی کاهش یابد، درآمد صادراتی خود را به‌عنوان پیشران اقتصادی از دست می‌دهند بنابراین در این زمینه و برای کاهش آسیب‌های گذار انرژی سوخت‌های فسیلی به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر، اعضای بریکس می‌توانند همکاری‌های درونی داشته باشند. همچنین نکته دیگر از منظر انرژی این است که همان‌گونه که مطرح شد، آمریکا روی انتقال انرژی‌های پیشرو و لبه فناوری محدودیت و ممنوعیت ایجاد کرده است. این موضوع در خصوص فناوری‌ها برای انرژی‌های جایگزین مانند هیدروژن و هلیوم بیشتر است، بنابراین اعضای بریکس که هیچ‌کدام در ائتلاف آمریکا حضور ندارند، می‌توانند برای توسعه فناوری‌ها با توجه به تمایزبخشی کارکردی و با حفظ یکپارچگی به‌صورت همگرا، تشریک مساعی و همکاری داشته باشند.

برای استفاده حداکثری از این فرصت در بازار انرژی جهان، ایران چه اقدام‌هایی را باید در دستور کار خود قرار دهد؟ با توجه به این موارد، در دولت سیزدهم باید تلاش شود اشتباهات گذشته را تکرار نکنیم. در گذشته زمانی که محرومیت عدم تعارض و جنگ با هنجارها و سازمان‌های بین‌المللی خواهد بود تا کمترین هزینه سیاسی و اقتصادی را برای آنها به‌دنبال داشته باشد، بنابراین همکاری‌های امنیتی اعضای بریکس در گام‌های نهایی محقق خواهد شد و اکنون اولویت، همکاری‌های اقتصادی است، زیرا هرچقدر توسعه این سازمان بیشتر شود هماهنگی بیشتر می‌شود و قانع کردن کشورهایی که توسعه می‌یابند برای حرکت به سمت بلوک امنیتی امکان‌پذیر خواهد بود.

آیا روسیه می‌تواند امیدوار باشد که توسعه بریکس به این کشور برای مقابله با فشارهای غرب کمک خواهد کرد و بریکس به سمت یک ائتلاف امنیتی پیش می‌رود؟

دور از انتظار است که تقابل اعضای فعلی و جدید بریکس به‌شکل فشار غربی‌ها بر هند اثرگذار خواهد بود. بیش از تلاش برای تغییر در قالب هنجارهای بین‌المللی باشد، بلکه این کشورها در تلاش‌اند به سمت نظام‌سازی، نهادهای و هنجارسازی حرکت کنند، اما این اقدام‌ها با



رئیس مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی اعلام کرد

فرصت‌های پیش روی ایران با عضویت در بریکس

رئیس مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی با اشاره به فرصت‌های اقتصادی و سیاسی ایران با عضویت در بریکس گفت: عضویت در بریکس می‌تواند در افزایش سهم ایران در بازار نفت و توسعه تراکنش‌های مالی مؤثر باشد، اما مهم‌ترین فرصت حضور در بریکس، افزایش قدرت ایران در چانه‌زنی‌های بین‌المللی خواهد بود. به گزارش خبرنگار شانا، پنج عضو بریکس شامل چین، روسیه، هند، آفریقای جنوبی و برزیل در آخرین نشست خود در آفریقای جنوبی با عضویت ۶ کشور ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر، اتیوپی و آرژانتین در این گروه موافقت کردند.بر این اساس از ابتدای سال ۲۰۲۴ میلادی، اعضای بریکس از پنج کشور به ۱۱ کشور افزایش می‌یابند. نکته مهم اما آن است که با وجود تمایل بسیاری از کشورها به عضویت در بریکس در سال‌های گذشته، اما هیچ‌گاه با توسعه این گروه موافقت نشده.اکنون چه اتفاقی در درون گروه بریکس، همچنین شرایط بین‌المللی رخ داده که ۶ کشور دیگر به عضویت بریکس در آمده‌اند. نقش چین به عنوان اقتصاد دوم جهان در این زمینه چیست و شرایط روسیه بعد از جنگ با اوکراین چه تأثیری بر این تصمیم داشته است.از سوی دیگر تحولات سیاسی و اقتصادی جهان به‌ویژه تغییر رویکرد در آمریکا نیز بر توسعه بریکس سایه افکنده و این تصمیم را سرعت بخشیده است.

چین منفی شده بود، معتقد بود که چین باید محصولات بیشتری از آمریکا وارد کند، در غیر این صورت روی کالاهای ورودی از چین تعرفه وضع خواهد کرد. در واقع ترامپ، از اساسی کاری به توسعه ارزش‌های دموکراتیک نباشد.

حتی برای ورود برخی کالاهای هند و ترکیه که با تعرفه صفر وارد آمریکا می‌شدند نیز تأکید کرد که در صورت رعایت نشدن اصول آمریکا، تعرفه وضع خواهد شد که در آن صورت سالانه ۵.۸ میلیارد دلار تعرفه از سوی هند باید پرداخت می‌شد. از همین رو، هندی‌ها زمانی که بحث‌های تعرفه‌ای پیش آمد با آمریکا وارد همکاری شدند زیرا فشار آمریکا مستقیم بود.

درباره شورای همکاری خلیج‌فارس نیز آمریکایی‌ها در زمان ترامپ وارد همکاری شدند و دغدغه و نگرانی‌هایی که زمان اوباما در این کشورها وجود داشت را برطرف کردند و مقدمات اولیه این بود که ترامپ قانون ۱۲۳ درباره همکاری هسته‌ای با عربستان را رها کند زیرا بر اساس این قانون، همکاری هسته‌ای کشور نباید غنی‌سازی اورانیوم را داشته باشد.

بنابراین در این دوران اعضای بریکس از آنجا که فشار آمریکا را به‌صورت مستقیم حس می‌کردند حتی در تعامل میان اعضای خود نیز محافظه‌کاری داشتند.

واکنش روسیه به‌عنوان یکی از اعضای مهم گروه بریکس به این تحولات چه بود؟ زیرا این کشور با توسعه بریکس در سال‌های گذشته مخالفت می‌کرد.

در اینجا روسیه با تأمل بیشتری از این فرآیند استقبال کرد، اما از ابتدا این را نمی‌خواست. تحلیل محتوای سخنرانی‌های لاوروف، وزیر خارجه روسیه نیز این موضوع را تأیید می‌کند. لاوروف گفته بود برای ما تصمیم سخت و دشواری بود که به جمع‌بندی برسیم تا اعضای بریکس را توسعه دهیم. این صحبت‌ها نشان می‌دهد شرایط بین‌المللی روسیه را به سمت توسعه بریکس برده است، زیرا در غیر این صورت توسعه بریکس با وجود تمایل چین و اعضای جدید، سخت به نظر می‌رسید.

اما با توجه به شرایط روسیه، این کشور مهم‌ترین مزیت توسعه بریکس را ایجاد سپری محافظتی و ضربه‌گیر در برابر فشارهای غربی می‌داند. با این حال بعید است چین و دیگر کشورهای عضو بریکس در قالب سپر محافظتی روسیه عمل کنند.زیرا اگرچه کشورهای عضو بریکس همکاری‌های خود را توسعه و گسترش می‌دهند و حتی در گام‌های بعدی ممکن است به فرآیندهای نهادسازی زیرساختی برسند، همچنان مراقب‌اند حالت تعارض با جهان پیدا نکنند و در قالب هنجارها حرکت کنند.

نگاهی به تعاملات اقتصادی میان اعضای بریکس نیز نشان می‌دهد این کشورها تا جایی به همکاری‌های اقتصادی با روسیه ادامه می‌دهند که ارتباط با کشورهای غربی به تعارض آشکار منجر نشود.

تا آنجا که با وجود تخفیف گسترده روسیه برای فروش نفت خود به هند، از ماه مه تا اوت (اردیبهشت – مرداد) واردات نفت هند از روسیه از حدود ۲ میلیون بشکه در روز با کاهش ۷۶۰ هزار بشکه‌ای به حدود ۱.۲ میلیون بشکه در روز رسیده است. نکته مهم آن است که کاهش واردات نفت هند از روسیه درست پس از سفر ناندرا مودی، نخست‌وزیر هند به آمریکا اتفاق افتاده است. در واقع آمریکا کشور با طرد شدن از بازار اروپا، حتی با وجود تخفیف‌های زیاد، به‌راحتی برای نفت خود بازار جدید دست و پا کند، بنابراین فشار غربی‌ها بر هند اثرگذار خواهد بود.

آیا روسیه می‌تواند امیدوار باشد که توسعه بریکس به این کشور برای مقابله با فشارهای غرب کمک خواهد کرد و بریکس به سمت یک ائتلاف امنیتی پیش می‌رود؟

دور از انتظار است که تقابل اعضای فعلی و جدید بریکس به‌شکل فشار غربی‌ها بر هند اثرگذار خواهد بود. بیش از تلاش برای تغییر در قالب هنجارهای بین‌المللی باشد، بلکه این کشورها در تلاش‌اند به سمت نظام‌سازی، نهادهای و هنجارسازی حرکت کنند، اما این اقدام‌ها با

و رویکرد تعارضی با آمریکا و کشورهای غربی داشته باشد. با این حال، موضوعی که باعث می‌شود چین دست بالا را در بریکس داشته باشد این است که جایگاه چین در اقتصاد اعضای اصلی و کشورهای جدید عضو بریکس به مراتب بالاتر است و این کشور همواره جزو سه شریک تجاری آنها به‌شمار می‌آید که نشان‌دهنده وابستگی اقتصادی کشورها به چین است.

از سوی دیگر، چین در کشورهای آسیای شرقی، کشورهای اروپایی و آمریکا جزو شرکای اصلی واردات و صادرات است که نشان می‌دهد حجم اقتصاد چین، جهان‌نگری می‌کند و با وجود آنکه سهم بالایی در تجارت کشورهای عضو بریکس دارد، اما این اقدام‌ها با محور عدم تعارض و جنگ پایین‌تری هستند، همچنین چین در رویکرد کمربند – جاده به دنبال تعامل با کشورهایی است که آینده بهتری دارند تا بتواند با این کشورها همکاری نظام‌مند داشته باشد.اتفاق‌هایی نیز در عرصه بین‌المللی افتاد که فضا را برای چین فراهم کرد. روسیه با توجه به تحولات اوکراین به سمت محاصره پیش رفته است. با توجه به تحولات اوکراین، مهم‌ترین تهدید امنیتی برای روسیه محاصره شدن در پیرامونش است. زیرا این محاصره شدن به منبع تجاری، اقتصادی و نظامی منجر خواهد شد.البته روسیه این موضوع را درک کرده و یکی از دلایلی که در مناقشه ارمنستان و جمهوری آذربایجان مانند گذشته طرف ارمنستان را نداشت، این بود که نمی‌خواستند جمهوری آذربایجان را از دست بدهند، زیرا اگرچه جمهوری آذربایجان را از دست بدهند در فضای قفقاز و شرق اروپا محدود می‌شوند، همچنین تلاش می‌کنند ترکیه را با مشوق‌هایی که تا پیش از این سابقه نداشت، نزدیک خود نگه دارند. از سال ۱۹۵۲ ترکیه به‌دنبال توسعه انرژی هسته‌ای بوده و در این مدت هیچ کشوری به توسعه انرژی هسته‌ای ترکیه کمک نکرده است، اما روسیه حاضر شد. مجموعه ۲۰ میلیارد دلاری زیرساختی که در ترکیه اجرا خواهد شد نیز در همین راستاست.این عوامل باعث شد اگرچه روسیه در عمل با گسترش بریکس مخالف بود اما با قدرت گرفتن چین و شرایط جدید حاکم بر روسیه در فضای بین‌المللی، فضا برای اعضای جدید بریکس فراهم شود.

چه عواملی از بیرون بر همگرایی بیشتر بریکس و گسترش این گروه اثرگذار بوده است؟

اگرچه در گذشته کشورهای مختلفی تقاضای عضویت در بریکس را داده بودند اما همیشه با یک محافظه‌کاری روبه‌رو می‌شدند، چه شد که فضای بین‌المللی تغییر کرد. پیروزی بایدن بر ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا را شاید بتوان مهم‌ترین عامل بین‌المللی دانست که بلوک‌بندی‌های جهانی را تغییر داد و همگرایی در بریکس را بیشتر کرد. رویکرد بایدن و راهبرد امنیت ملی آمریکا، روسیه و چین را به سمتی برد که بریکس را گسترش دهند.

در واقع اگرچه عواملی مانند تعاملات داخلی، وضع اقتصاد و امنیت بین‌المللی در همگرایی بریکس مؤثر بود، سیاست‌های بایدن بریکس را به سمت توسعه سوق داد. نگاهی به سند امنیت ملی منتشرشده بایدن، دستورعمل موقت آن در مارس ۲۰۲۱ و انتشار کل سند در اکتبر ۲۰۲۲ این موضوع را بیشتر روشن می‌کند.اگرچه عواملی مانند تعاملات داخلی، وضعیت اقتصاد و امنیت بین‌المللی در همگرایی بریکس مؤثر بود اما سیاست‌های بایدن بریکس را به سمت توسعه سوق داد.

ترامپ رویکرد ایدئولوژیکی به نظام بین‌المللی نداشت و معتقد بود اولویت اول آمریکا است و حتی به همکاری با دولت‌هایی که اولویت‌های دموکراتیک نداشتند اما برای آمریکا منفعت ایجاد می‌کردند نیز پایبند بود و به بسیاری از مولفه‌های ایدئولوژیک نظام غربی هم اعتقادی نداشت. از همین رو بود که حتی با کره‌شمالی که ارزش‌های دموکراتیک را نقض می‌کند نیز وارد گفت‌وگو شد. ترامپ حتی با پوتین در حاشیه نشست هلسینکی مذاکره کرد. اختلاف ترامپ با چینی‌ها بر سر آموزه‌های گسترش دموکراسی نبود بلکه به‌دلیل اینکه تراز تجاری آمریکا با

در این زمینه با محمدصادق جوقار، رئیس مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی به گفت‌وگو نشستیم. جوقار معتقد است اگرچه عضویت در بریکس می‌تواند در افزایش سهم ایران در بازار نفت و توسعه تراکنش‌های مالی مؤثر باشد، مهمترین فرصت حضور در بریکس، افزایش قدرت ایران در چانه‌زنی‌های بین‌المللی خواهد بود.

در کوتاهمدت ایران می‌تواند از فرصت عضویت در بریکس برای افزایش سهم بازار نفت خود بدون نیاز به تراکنش‌های دلاری استفاده کند و با بهره‌گیری از این سیستم تراکنش به منابع صادراتی خود دسترسی داشته باشد جوقار معتقد است عضویت ایران در بریکس در مورد بحث‌های تراکنشی، انتقال فناوری و سهم بازار می‌تواند مؤثر باشد. به این صورت که شبکه هیبریدی تبادلات انرژی ایجادشده به حوزه اقتصاد نیز تسری یابد.

وی با اشاره به اینکه در کوتاهمدت ایران می‌تواند از فرصت عضویت در بریکس برای افزایش سهم بازار نفت خود بدون نیاز به تراکنش‌های دلاری استفاده کند و با بهره‌گیری از این سیستم تراکنش به منابع صادراتی خود نیز دسترسی داشته باشد، گفت: در بریکس نظامانی در حال ایجاد است که می‌توانیم همکاری‌های خود را با ارزهای ملی و سیستمی اصلاح کنیم و این ارزهای ملی قابل تبادل با یکدیگر باشند و تجارت را برای ایران تسریع کنند. موضوعی که حتی از افزایش سهم بازار ایران نیز مهم‌تر خواهد بود.

جوقار البته تأکید کرده که دور از انتظار است که تقابل اعضای کنونی و تازه بریکس بیش از تلاش برای تغییر در قالب هنجارهای بین‌المللی باشد، بلکه این کشورها در تلاش‌اند به سمت نظام‌سازی، نهادسازی و هنجارسازی حرکت کنند، اما این اقدام‌ها با محور عدم تعارض و جنگ با هنجارها و سازمان‌های بین‌المللی خواهد بود تا کمترین هزینه سیاسی و اقتصادی را برای آنها به‌دنبال داشته باشد.

مشروح گفت‌وگو با رئیس مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی را در ادامه می‌خوانید.

در هفته‌های گذشته پنج عضو بریکس با عضویت ۶ کشور دیگر از جمله ایران در این گروه موافقت کردند. به نظر شما با توجه به اینکه تا پیش از این با عضویت کشورهای دیگر در این گروه از سوی برخی اعضا مخالفت می‌شد، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر توسعه بریکس چه می‌تواند باشد؟

پنج عضو اصلی گروه بریکس شامل چین، روسیه، هند، برزیل و آفریقای جنوبی هفته گذشته با عضویت اصلی ایران به همراه پنج کشور دیگر (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر، اتیوپی و آرژانتین) در این گروه موافقت کردند.

نکته مهم در این میان، علت پذیرش اعضای جدید در گروه بریکس، همچنین فرصت‌ها و چالش‌هایی است که برای اعضای جدید و به‌ویژه ایران پیش رو خواهد بود. افزون بر عوامل داخلی که در همگرایی، یا واگرایی بریکس و تصمیم‌های اعضای آن تأثیرگذار بوده و هست، اتفاقی‌هایی هم در بیرون از بریکس به‌عنوان پیشران و زمینه‌ساز تحولات در این گروه اثرگذار بوده که شامل وضع توزیع قدرت بین‌المللی، تحولات اجتماعی، سیاسی و ساختار اقتصادی جهان است.

نگاهی به عوامل درونی و برونی این گروه در بریکس نشان می‌دهد اکنون همه این عوامل با سویه مثبت به همگرایی بیشتر و توسعه و گسترش بریکس منجر خواهد شد.

آیا این رویکرد چین از سوی سایر اعضای بریکس با مخالفت روبه‌رو نخواهد شد و مانعی بر سر راه تحقق اهداف چین ایجاد نخواهد کرد؟ در واقع برگ برنده چین در این مسیر برای ایجاد ارتباط بیشتر با اعضای جدید بریکس چیست که سایر اعضای قدیمی این گروه از آن بی‌بهره هستند؟

چین و روسیه با توجه به مناقشه روسیه و اوکراین شاید اهداف متفاوتی را در بریکس دنبال می‌کنند، به این مفهوم که روسیه با توجه به شرایط تازه‌اش علاقه‌مند است بریکس را به سمت بلوک‌سازی امنیتی و حتی نظامی ببرد